



پیشینه تاریخی جزایر ایرانی تنگه هرمز

روزبه پارساپور

جزایر تنگه هرمز در طول تاریخ حوادث و رویدادهای مختلفی را پشت سر گذاشته است، تمام وقایعی که در جزیره قشم رخ داده، در جزایر اقماری آن یعنی هرمز، لارک و هنگام نیز بی تاثیر نبوده است. مادها بین سالهای 1000 تا 2000 پیش از میلاد در ایران حکومت میکردند، در دوره هخامنشیان، اقوام آریایی در جزایر تنگه هرمز از جمله قشم، هرمز، لارک و هنگام مستقر شدند و برای رفع بی آبی جزایر منطقه و نیز تامین آب کشتی های عبوری آن زمان و حمل آب به نقاط دور دست و احیانا برای مقاصد نظامی، اقدام به ساختن مخازن بزرگ و آبیگرهای متعدد و سدهای عظیم در قشم کردند.

پس از فتح ایران به دست اسکندر گجستک، نئارک سردار اسکندر مقدونی در قرن یازدهم سلطنت او برای شناسایی سواحل و بنادر و جزایر مکران و خلیج فارس، از دهانه رود سند تا مدخل اروند رود در آبادان مسافرت خود را آغاز کرد.

پادشاهان ساسانی نیز به جزیره قشم و جزایر اقماری آن توجه داشتند و برای عمران و آبادی آن دستورات سازندگی صادر میکردند. در زمان خلافت عمر خلیفه دوم که همزمان با سلطنت یزدگرد سوم آخرین شاهنشاه ساسانی بود، جزایر و بنادر ایران به دست سپاهیان عرب فتح گردید. جزایر تنگه هرمز نیز از جمله سرزمینهایی بود که در حمله اعراب بدوی به دست لشکریان عثمان ثقفی افتاد. (1)

با فتح قسطنطنیه به سال 857 هجری قمری / 1453 میلادی و اقتدار امپراتوری عثمانی در مناطق مسلط بر آسیا، آفریقا و اروپا نگرانی و ترس از سلطه بیشتر عثمانی و از طرف دیگر توسعه سلطه و اشغال سرزمینهای دیگر به دست اروپاییان موجب یک سلسله تحولات در منطقه خلیج فارس گردید. تهدید راههای ارتباطی شرق و غرب توسط عثمانی و ضرورت مقابله اروپا با گسترش آن، خلیج فارس را به صورت کانون درگیریها و منطقه حساس و تعیین کننده در موقعیت دو جریان مذکور قرار داد.

اگر تا آن زمان خلیج فارس حلقه اتصال آبهای آسیا و اروپا از طریق ایران و مرکز مبادله کالا و لنگرگاه کشتی ها و حل سیاحت دریانوردان بود، پس از سقوط قسطنطنیه ناگهان به یک منطقه سوق الجیشی (استراتژیک) برای شرق و غرب در آمد. به راه انداختن جنگهای ایران و عثمانی برای تضعیف دو قدرت جهان اسلام، مشغول کردن ایران در مناطق شمالی و غفلت از خلیج فارس و تجزیه مناطق از ایران و عثمانی، بخشی از توطئه های غرب برای تسلط بر سرزمینهای استراتژیک خاورمیانه و تضعیف دو قدرت جهان اسلام بود. پرتغالیها در این شرایط با استفاده از امکانات مادی و سلاحهای سنگین و روشهای سرکوب و کشتار جمعی مردم، برای اشغال خلیج فارس و تسلط بر این منطقه حساس و برای پیشی گرفتن بر سایر رقبای اروپایی خود، ابتدا به اشغال جزیره هرمز و پس از آن جزایر دیگر و پیاده شدن در خشکی پرداخت. (2)

آلبوکرک در سال 1506 میلادی که مصادف با تشکیل دولت صفوی بود، ناوگان پرتغالی را وارد آبهای دریای مکران (عمان) و خلیج فارس کرد و پس از اشغال و تخریب شهر مسقط که شهری بزرگ و پرجمعیت به شمار میرفت به سوی جزیره هرمز حرکت کرد و پس از جنگی سخت با امیر هرمز که به نیابت از سیف الدین پادشاه دوازده ساله هرمز زمام امور را در دست داشت، این جزیره را قهر و غلبه گرفت و با توجه به موقعیت ممتاز هرمز، قلعه نظامی مستحکمی در آن بنا نهاد.

در سال 1301 هجری شاه عباس بزرگ، چون موقع را برای اجرای تصمیمات خود در مورد جزیره هرمز و قشم مساعد دید، امامقلی خان را وادار کرد تا نسبت به جزیره ادعای مالکیت کند و چون آنجا جزو قلمرو خود میدانم مطالبه خراج کند و در پی آن فرمان داد تا عملیاتی برای تصرف جزیره آغاز گردد. (3)

اولین عملیات موفق با اخراج پرتغالیها از بحرین به پیروزی رسید و آخرین عملیات بزرگ نامنظم علیه قوای بیگانه با وجود استحکامات- توپخانه، قوای بسیا، کشتی های جنگی و علی رغم مجهز بودن ایرانیان به تفنگهای کوچک و قایقهای معمولی، با بهره گیری از روشهای جنگهای نامنظم (و کمک نیروی دریایی انگلیس) به پیروزی بر دشمن منجر شد و قوای ایرانی در سال 1302 هجری قمری/1622 میلادی موفق شدند اشغالگران را از سرزمین خود بیرون نمایند. (4)

پس از گذشت شاه عباس بزرگ صفوی، هلندی ها مصمم شدند به هر وسیله که شده است موقعیت خود را در ایران تحکیم بخشند و نفوذ و تسلط خویش را در آنجا مستقر سازند و بالاخره در سال (1645-1646) برای اینکه ایرانیها را مجبور ساخته و حق تجارت انحصاری آن را به خود اختصاص دهند، متوسل به زور و قوه قهریه گردیدند، نیروی دریایی کاملی در دریای پارس حاضر کرده و در پاییز سال 1645 به حصار و قلعه قشم حمله کردند و بالاخره به این وسیله امتیاز تجارت لازم را از شاه ایران دریافت کردند. برای مدتی در خلیج فارس هلندیها امتیاز تجارت ابریشم را به عهده داشتند و جزایر تنگه هرمز در تصرف آنها بود، اما چون نگهداری جزایر مخارج هنگفتی برای هلندیها تولید میکرد به ناچار آنجا را تخلیه کردند. در دوران افشاریه نادر شاه پس از تحکیم موقعیت خود به فکر ایجاد یک نیروی دریایی پرقدرت در خلیج فارس افتاده و به همین جهت به وسیله اعمال خود به بنادر و جزایر سفارش تهیه کشتی و یا خرید آن را صادر کرد و لطیف خان را به حکومت ایالات دشتستان و شولستان و کاپیتانی کل سواحل و بنادر خلیج فارس منصوب کرد. برابر نوشته دکتر امین نویسنده عرب سراسر نیمه دوم قرن 17 و نیمه اول قرن 18 مسقط دارای قویترین بحریه نسبت به سایر

کشورهای بومی در خلیج فارس بود. در حدود سال 1717 میلادی امام مسقط تمام جزایر معتبر خلیج فارس از جمله قشم و بحرین و سایر جزایر را زیر تسلط و نفوذ خود داشت. (5)

در زمان کریم خان زند جزایر قشم و هرمز زیر نظر طایفه بنی معین قرار داشت، شیخ عبدالله بنی معین ظابط جزیره هرمز و شیخ حسن بنی معین ظابط جزیره قشم بودند. شیوخ بنی معین قبیله ای از اعراب بودند که حدود 190 سال بر جزیره قشم و جزایر اقماری آن حکومت کردند. شیوخ بنی معین ابتدا با سعید و لافت و سپس قشم و جزایر اطراف را به تصرف خویش در آوردند و به حکومت نشستند. از اواخر سلطنت صفویه تا اواسط دوره قاجار ظلمها و ستمهای بسیاری بر مردم محروم و سواحل و بنادر و جزایر خلیج فارس وارد آمد و دزدان و اعراب آل قاسم یا جو اسمین بارها به این نقطه حمله ور شده و آرامش آنجا را برهم زدند و در دریا به کشتیها و در خشکی به آبادیها حمله ور شده و اموال ساکنان جزایر و بنادر را به غارت بردند و کودکان و دختران را دزدیدند.

در اواخر دوره قاجار ماموران دولتی ستمها و تعدیات بسیاری بر مردم جزیره قشم و سایر نقاط رواداشتند و مدام آنها را تحت فشار قرار دادند و به همین جهت مردم در فرصتهای مناسبی که یافتند تن به هجرت دادند. (6)

روابط دو کشور ایران و مسقط در اواخر قرن 18 و اوایل قرن 19 بیشتر در اطراف مسئله بنادر چابهار، بندر عباس، جزایر هرمز، قشم و بحرین دور میزد. پس از کشته شدن نادرشاه و نبودن حکومت مرکزی مقتدر مانند گذشته، احمد فرزند سعید، سلطان مسقط که نیروی دریایی مجهزی گردآوری کرده بود به بنادر و جزایر ایران حمله برده و در این یورش - بنادر چابهار و بندر لنگه و جزایر قشم و هرمز و کیش را از دست شیخ معین ضابط دولت ایران خارج و آنجا را اشغال کردند. پس از به قدرت رسیدن آقا محمد خان قاجار در ایران باردیگر حکومت مرکزی استحکام یافت، سلطان عمان ناچار توسط والی پارس نماینده ای به دربار ایران اعزام کرد و خواهان اجاره این مناطق به مدت 97 سال شد. دولت قاجار که تازه نضج گرفته بود و به علت جدال با دولتهای روس و عثمانی و اروکشیهای داخلی فرصت رسیدگی به جنوب کشور را نداشت، با این تقاضا موافقت کرد و فرمانی صادر و به موجب آن بندر عباس و جزیره قشم را به مدت 75 سال در مقابل پرداخت سالانه 6000 تومان به اجاره سید سلطان و فرزند او واگذار کرد!

سلطان مسقط از جانب خود ضابطین حکامی به آن نواحی می فرستاد، علیرغم قرارداد اجاره ، سلطان مسقط، جزایر قشم و هرمز را جزو خاک خود میدانست. این وضع ادامه داشت تا سالهای 1820 میلادی که سواستفاده استعمار انگلیس از دعاوی موهوم سلطان مسقط بر جزیره قشم باعث بروز مسائلی بین ایران و انگلیس گردید و انگلیس به بهانه سلطه عمان بر جزیره قشم آن را از طرف سلطان عمان اشغال کرد. در اجاره نامه ای که در دوران حکومت محمدشاه قاجار برای اجاره دادن بنادر و جزایر جنوب به سلطان مسقط تنظیم شده بود نامی از جزایر قشم و هرمز برده نشده، به این دلیل نیز سید سعید این جزایر را از آن خود میدانست. در زمان ناصرالدین شاه قاجار، بندر عباس ، بندر خمیر، میناب و مناطق تابعه به اضافه جزایر قشم و هرمز که سالها به صورت غیر رسمی در اجاره سلطان عمان بود، طی قرارداد بیست ساله ای به سید سعید سلطان مسقط اجاره داده شد. سید سعید نیز قراردادی با انگلیسی ها بست و به موجب آن انگلیسی ها اجازه داشتند در جزیره قشم برای خود یک پایگاه نظامی بسازند و در عوض در دفع جواسم بکوشند. پس از مرگ سعید مناطق مذکور دوباره طی قرارداد هشت ساله ای به سید سالم نوه سید سعید اجاره داده شد و پس از خلع سلاح سید سالم از سلطنت، دولت ایران رسم اجاره این نواحی را به اتباع خارجی لغو کرد. پس از سید سعید که حکومت مسقط و عمان رو به ضعف گذاشت، انگلستان کم کم سلطه خود را بر این کشور گسترانید، به همین مناسبت از اواخر دوره مظفرالدین شاه قاجار حتی مرادیه تجاری نیز بین ایران و حکومت عمان و مسقط رو به سستی گذارد و در اوایل حکومت پهلوی که سلطه حکومت مرکزی بر تمامی نواحی ایران گسترانیده شد و مرزها به کنترل درآمد این مرادیه به طور کلی قطع گردید. (7)

انگلیسی ها برای حفظ حضور استعماری خود و سیادت دریایی و سهولت دست اندازی به سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس از مدتها قبل نقشه تصرف نقاط مهمی از بنادر و جزایر و نیز از بین بردن کشتیها محلی را در سر داشتند و در هر فرصتی که می یافتند با اندک بهانه با مردم بومی سواحل و جزایر خلیج فارس به جنگ و کشتار می پرداختند و قبل از هر چیز دست به انهدام کشتیها و تصرف سواحل می زدند. حضور استعمار متجاوز انگلیس در جزیره قشم برای اولین بار در عصر صفویه و در جنگ دریایی و زمینی بین سپاهیان ایران و پرتغالیهای ساکن قلعه قشم می بینیم. همانطور که اشاره شد امامقلی خان فرزند رشید الله وردیخان، امیرالامرای پارس برای تصرف جزیره هرمز و قشم و دفع شرارت های پرتغالیها

با موافقت شاه عباس بزرگ از نیروهای انگلیسی در خلیج فارس استفاده کرد و نخستین بار انگلیسی ها به همراه سپاهیان ایرانی و چهار مامور بریتانیا مامور نگهداری از قلعه شدند. (8)

انگلیسی ها در نیمه اول قرن سیزدهم هجری بندر باسعیدو را مرکز سوخت خود قرار دادند و انبارهای متعددی در آن برای ذخیره ذغال سنگ ایجاد کردند، تاجاییکه بعدها هر رفت و آمدی که به این بندر انجام میگرفت زیر نظر آنها بود و هیچ تحرکی در این خط بدون صواب دید عمال استعمار پیر انجام نمی گرفت. (9)

انگلیسی ها با اینکه در فوریه سال 1921 میلادی مطابق با اسفندماه سال 1299 شمسی کشور ایران را از لوای نظامی خود تخلیه کردند، ولی همچنان جزیره هنگام و بندر باسعیدو قشم را در اشغال خود نگه داشتند و حاضر به آزادسازی این سرزمینهای ایران نشدند. علی زرین قلم در این باره می نویسد: ((پس از آنکه انگلیس و روس طبق معاهده (متجاوزانه) فیما بین خود در سال 1907 میلادی قرار اشغال ایران را گذاشتند و منطقه شمالی ایران توسط روسها اشغال شد، مناطق جنوبی نیز به تدریج به وسیله قوای انگلیس تحت اشغال درآمد و این اشغال تا سال 1921 میلادی ادامه داشت. بالاخره در فوریه 1921 میلادی در ایران کودتا شد و انگلیسی ها کشور ایران را از نیروهای نظامی خود تخلیه کردند و موسسات ایرانی را تحویل دادند اما جزایر بحرین و هنگام و باسعیدو در قشم را که به صورت پایگاه دریایی آنها درآمده بود همچنان در اشغال و تصرف خویش نگهداشتند.)) (10)

در عصر پهلوی مردم جزیره قشم به علت رکود معاملات مروارید ، بی آبی ، بیکاری ، دوری از سواحل اصلی ، توجه کم دولت ، فشار برای تغییر لباسهای محلی ، تاسیس گمرک و برقراری عوارض گمرکی و اجاری قانون انحصار تجارت خارجی و جلوگیری از حمل قاچاق و حدوث چندین زلزله سنگین تدریجا مردم محلی خانه و کاشانه خود را رها کرده و به شیخ نشین های خلیج فارس ، عمان ، پاکستان ، زنگبار ، هندوستان پناهنده و یا مهاجرت کردند. در اوایل پادشاهی رضاشاه پهلوی کلیه حکام عرب و بنی معین کنار گذاشته شدند و به جای آنان حکامی از جانب مرکز انتخاب و منصوب گشتند. چون جزیره قشم در آن وقتها تابع بوشهر بود و حتی به شکایت مردم قشم حکام بوشهر رسیدگی میکردند، به دستور دولت برای اداره قشم و بندر عباس و میناب، به دسته ای از بلوردیها و تنگسیرها ماموریت داده شد تا به محل بیایند و اداره امور را عهده دار گردند.

در سال 1302 شمسی اولین دسته از چریکهای تنگسیری اهل بوشهر، به سرپرستی شخصی به نام کات محمد علی بلوردی، به قشم آمدند که تعداد آنها هفت نفر چریک مسلح بود. محل نایب الحکومه را در منزل شیخ عبدالله معین، خانه قدیمی شیخ محمد صفر قرار دادند. تنگسیرها مدت دو سال در قشم ماندند، در حفظ آرامش آنجا کوشیدند و به امور مردم رسیدگی کردند و به بندر عباس رفتند. در حدود سال 1304 شمسی اولین بخشدار رسمی دولت به نام آشغانی که مرد نسبتاً مسنی بود، تک و تنها از تهران وارد قشم شد و در منزل عبدالله محمد احمد روبه روی مسجد جامع فعلی که اینک منزل عبدالفتاح معروف به ((عنتر)) است اقامت گزید. آشغانی بعداً محل بخشداری را به محل قبلی اداره ثبت و احوال قشم منتقل کرد. (11)

پی نوشت ها

- 1- حسین نوربخش ، جزیره قشم و خلیج فارس ، چاپخانه سپهر چاپ اول سال 1369 صفحه 128 تا 138
- 2- منطقه آزاد قشم ، ویژه بزرگداشت امامقلی خان دیماه 1374 صفحه 350
- 3- همان منبع صفحه های 31 و 32
- 4- همان منبع صفحه 36
- 5- حسین نوربخش ، جزیره قشم و خلیج فارس ، چاپخانه سپهر چاپ اول سال 1369 صفحه 162
- 6- همان منبع صفحه 174
- 7- همان منبع صفحه های 177 و 178
- 8- همان منبع صفحه 169
- 9- همان منبع صفحه های 171 و 172
- 10- همان منبع صفحه 180
- 11- همان منبع صفحه های 184 و 185